رویش روان شناسی، سال۱۴، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۷، اردیبهشت ۱۴۰۴
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),14(2), 2025

پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان براساس سبک‌های فرزند پروری والدین و باورهای فراشناختی در نوجوانان پسر

Prediction of self-injurious behaviors based on parents' parenting styles and metacognitive beliefs in male adolescents

محسن مهاجری
دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده ی علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
انیسه الفونه
کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دپارتمان روانشناسی بالینی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.
زهره مختاری (نویسنده مسئول)
کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور خمینی شهر، اصفهان، ایران.

Mohsen Mohajeri
Ph.D. Student in Psychology, Education and Psychology Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Aniseh Alfooneh
MA in clinical psychology, Department of clinical psychology, University of Shiraz, Shiraz, Iran.
Zohre Mokhtare*
MA in general psychology Payame Noor University of Khomeini Shahr, Esfahan, Iran.
zohrehmokhtary.1364@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان براساس سبک‌های فرزندپروری والدین و باورهای فراشناختی بود. پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان پسر شهر قشم بودند که در دوره متوسطه دوم در سال ۱۴۰۲- ۱۴۰۱ مشغول به تحصیل بودند که از بین آنها به صورت در دسترس ۳۱۹ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش شامل پرسشنامه رفتارهای خود آسیب رسان سانسون و همکاران (SIB، ۱۹۹۸)، شیوه‌های فرزند پروری بامریند (BPMQ، ۱۹۹۱) و باورهای فراشناختی ولز (MCQ، ۲۰۰۴) بود. روش تحلیل پژوهش، تحلیل رگرسیون به روش همزمان بود. یافته‌ها نشان داد که رابطه سبک فرزند پروری مقتدرانه و باورهای فراشناختی با رفتارهای خود آسیب‌رسان منفی و معنادار بود (p<۰/۰۵). همچنین ارتباط سبک‌های فرزند پروری مستبدانه و سهل‌گیرانه با رفتارهای خود آسیب‌رسان مثبت و معنادار گزارش شد (p<۰/۰۵). همچین در مجموع ۰/۱۷۱ واریانس متغیر رفتارهای خود آسیب‌رسان توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین شد (p<۰/۰۵). نتیجه‌گیری می‌شود سبک‌های فرزندپروری والدین و باروهای فراشناختی در پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان در نوجوانان نقش اساسی دارد.

واژه‌های کلیدی: *باورهای فراشناختی، رفتارهای خود آسیب‌رسان، سبک‌های فرزندپروری.*

Abstract

This research aimed to predict self-harming behaviors based on parents' parenting styles and metacognitive beliefs. The current research was part of applied research in terms of purpose and correlational studies in terms of method. The statistical population included all the adolescent boys of Qeshm who were studying in the second secondary school in 2022-2023, and 319 of them were selected as a sample. The tools of this research included Sanson et al.'s Self-Injurious Behaviors Questionnaire (SIB, 1998), Baumrind's Parenting Practices (BPMQ, 1991), and Wells' Metacognitive Beliefs (MCQ, 2004). The research analysis method was simultaneous regression analysis. The findings showed that the relationship between authoritarian parenting style and metacognitive beliefs with self-injurious behaviors was negative and significant (p<0.05). Also, the relationship between autocratic and permissive parenting styles with self-injurious behaviors was reported to be positive and significant (p<0.05). Also, a total of 0.171 variance of the self-injurious behaviors variable was explained by predictor variables (p<0.05). It can be concluded that parents' parenting styles and metacognitive barriers play an essential role in predicting self-harming behaviors in adolescents.

Keywords: *Metacognitive Beliefs, Self-Harming Behaviors, Parenting Styles.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : اردیبهشت ۱۴۰۲** **پذیرش: خرداد ۱۴۰۲** **ویرایش نهایی: اردیبهشت ۱۴۰۴**

مقدمه

یکی از مشکلات جدی سلامت عمومی، رفتار خود آسیب‌رسان است. خود آسیب‌رسانی، خود ویرانگری موضعی و آگاهانه‌ای است که ناشی از ناتوانی در سازگاری با تکانه‌های پرخاشگرانهٔ درون‌فکنی‌شدهٔ فرد برای تنبیه خود یا دیگری است (پریستون و وست[۱]، ۲۰۲۳). رفتارهای خود آسیب‌رسان عمدی به‌عنوان تخریب یا تغییر عمدی بافت‌های بدن تعریف‌شده است که منجر به آسیب به بافت‌ها می‌شود (هول[۲] و همکاران، ۲۰۲۳). اگرچه رفتارهای خود آسیب‌رسان عمدی، یکی از علائم شایع اختلال شخصیت مرزی است، اما این رفتارها مختص این اختلال نیست؛ لذا لازم است رفتارهای خود آسیب‌رسان به‌عنوان‌یک پدیدهٔ رفتاری خاص مورد مطالعه قرار گیرد (استانیون[۳] و همکاران، ۲۰۲۳). رفتار آسیب‌رسان به خود، به آسیب‌های جسمی عمدی، هدفمند و اجتماعی غیرقابل‌قبول اشاره دارد که بدون خودکشی انجام می‌شود (مک کله لند[۴] و همکاران، ۲۰۲۳). باوجود آنکه رفتار آسیب‌رسان به خود بدون قصد خودکشی ممکن است در هر سنی روی دهد، اما معمولاً در دوران رشد نوجوانی ظاهر می‌شود و در این مرحله از تکامل نمایان می‌شود (فرانز[۵] و همکاران، ۲۰۲۳).

برخی از ویژگی‌های والدین، با رفتارهای خود آسیب‌رسان در نوجوانان مرتبط است. ثابت شده است که فرزندپروری ضعیف با افزایش خطر افسردگی، اضطراب، خصومت و ناراحتی اجتماعی بعدی کودکان مرتبط است (لین و همکاران[۶]، ۲۰۲۲). از طرف دیگر، تنبیه والدین و تربیت سخت‌گیرانه، عوامل خطر مهم برای رفتارهای خود آسیب‌رسان هستند. مدل زیست اجتماعی همچنین معتقد است که یک محیط خانوادگی ناکارآمد، عامل مهمی برای رفتار آسیب‌رسانی به خود است و غفلت والدین از احساسات و آزار کودکان می‌تواند مستقیماً باعث رفتار آسیب‌رسانی به خود شود. رابطهٔ والد-کودک به شکل اجتناب‌ناپذیری با شکل‌گیری و توسعهٔ پایدار رفتار خودآزاری در دانش‌آموزان دبیرستانی مرتبط است (گونزالس[۷] و همکاران، ۲۰۲۲).

در مواجهه با رفتارهای شدیدتر خودآزاری، تحقیقات قبلی عمدتاً تأثیرات محیط‌های نامطلوب خانواده را بر رفتار خودآسیب‌دهی نوجوانان، مانند تجربیات آسیب‌زای اولیه، حساسیت عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی، رویدادهای استرس‌زای زندگی، درگیری‌های خانوادگی و غیره بررسی کرده‌اند (لین[۸] و همکاران، ۲۰۲۲). سبک‌های فرزند پروری را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از سازه‌های روان‌شناختی درک کرد که نشان‌دهندهٔ راهبردهای استاندارد مورد استفادهٔ والدین در فرآیند تربیت فرزند است که عموماً شامل ابعادی مانند طرد، گرمای عاطفی و محافظت بیش‌ازحد است (ماسیتا و پاساریبو[۹]، ۲۰۲۲).

سبک‌های فرزند پروری در رشد کودک بسیار تأثیرگذار هستند. سبک‌های فرزندپروری منفی، مانند طرد و غفلت، می‌توانند خطر ابتلا به مسائل مربوط به‌سلامت روان در کودکان (مانند افسردگی، اضطراب و خصومت) و رفتارهای اعتیادآور را افزایش دهند (پاگی[۱۰] و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، سبک‌های فرزندپروری پدری و مادری ممکن است تأثیرات متفاوتی بر سلامت روانی و رفاه کودکان داشته باشند (کرواهیران[۱۱] و همکاران، ۲۰۲۲). برخی از مطالعات نشان داد که سبک‌های فرزند پروری منفی نیز به‌طور قابل‌توجهی با رفتارهای خود آسیب رسان در نوجوانان و جوانان مرتبط است. در این راستا، درک مسیر رشد ارتباط بین سبک‌های فرزند پروری و رفتارهای خود آسیب رسان به‌منظور ابداع اقدامات مداخله‌ای برای رفتارهای خود آسیب رسان مرتبط با سبک‌های فرزند پروری، ضروری است (آگباریا[۱۲]، ۲۰۲۲).

متغیر دیگری که می‌تواند با رفتارهای خود آسیب رسان مرتبط باشد، باورهای فراشناختی[۱۳] است (کن[۱۴] و همکاران، ۲۰۲۲). محققان معتقدند که باورهای فراشناختی تحت شرایط خاص می‌توانند باعث ایجاد تغییراتی در نورون‌ها شوند (هوفارت[۱۵] و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون باورهای فراشناختی نشان داده‌اند که باورهای فراشناختی، پیش‌بینی‌کنندهٔ تجربه احساسات منفی، مانند

1 - Preston, West
2 - Hull
3 - Stanyon
4 - McClelland
5 - Franz
6 - Lin
7- Gonzalez
8 -Lin
9 Masitah & Pasaribu
10 - Page
11- Kruahiran
12- Agbaria
13- Metacognitive beliefs
14 - Keen
15 - Hoffart

اضطراب و افسردگی هستند (هت[1] و همکاران، ۲۰۲۲). نتایج پژوهشگرانی چون هرمان[2] و همکاران (۲۰۲۳)، زینچوک[3] و همکاران (۲۰۲۳)، آنیان[4] و همکاران (۲۰۲۲) و نورداهل[5] و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند بین رفتارهای خود آسیب رسان و باورهای فراشناختی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. به طور کلی، باورهای فراشناختی نقش مهمی در نحوه مواجهه افراد با رویدادهای مختلف زندگی از جمله رویدادهای هیجانی دارد و می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری و تداوم انواع رفتارهای نامناسب از جمله رفتارهای خود آسیب رسان شود (استرودل و سورنسن[6]، ۲۰۲۳).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت رفتارهای خود آسیب رسان ممکن است با سبک‌های فرزندپروری والدین و باورهای فراشناختی مرتبط باشند. در واقع سبک‌های فرزندپروری آسیب رسان و همچنین باورهای فراشناختی ناسازگار ممکن است زمینه ساز گرایش افراد به سمت انواع رفتارهای ناسازگار مانند رفتارهای خود آسیب رسان شود. این در حالی است که بعد از جستجو در منابع داخلی و خارجی پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی ارتباط این متغیرها با یکدیگر بپردازد یافت نشد که لزوم انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه را می‌رساند. با توجه به مطالب بیان‌شده هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان بر اساس سبک‌های فرزند پروری والدین و باورهای فراشناختی بود.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر متوسطه دوم شهر قشم در سال ۱۴۰۱ بود که تعداد آنها ۸۷۹۳ نفر بود که از میان آنها ۳۱۹ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به نمونه شامل دانش‌آموز پسر متوسطه دوم، تمایل به همکاری، عدم طلاق والدین، زندگی با هر دو والد و عدم وجود مشکلات روانشناختی حاد و ملاک‌های خروج: عدم تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش شامل ۱- حصول اطمینان مسئولین و دستیاران پژوهش از محرمانه ماندن اطلاعات مربوط به شرکت‌کنندگان؛ ۲- توضیح کامل اهداف پژوهش به شرکت‌کنندگان در پژوهش؛ ۳- ارائه نتایج پژوهش به شرکت‌کنندگان در پژوهش پس از انجام آن؛ ۴- ارائه نتایج مبتنی بر واقعیت از داده‌های کسب‌شده؛ ۵- قدردانی از شرکت‌کنندگان جهت مشارکت در اجرای طرح پژوهشی و ۶- آزادی شرکت‌کنندگان برای خروج از پژوهش در هر زمان از اجرای آن. به‌منظور انجام پژوهش یک جلسه توجیهی برگزار شد و فرم رضایت‌نامه و پرسشنامه حاوی اطلاعات دموگرافیک بین شرکت‌کنندگان توزیع شد. با هدف ناشناس بودن و برای اینکه حریم خصوصی شرکت‌کنندگان تضمین شود، برای هر شرکت‌کننده کد متناسب اختصاص داده شد. داده‌های حاصل از پژوهش با استفاده از SPSS نسخه ۲۶ و روش آماری تحلیل تحلیل رگرسیون مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

رفتارهای خود آسیب رسان (SIB)[7]: این مقیاس توسط سانسون[8] و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شده است و دارای ۲۲ گویه با پاسخ‌دهی به صورت بله (۱) و خیر (۰) است. سانسون و همکاران (۱۹۹۸) درباره پایایی و روایی این پرسشنامه گزارش نمودند که این ابزار از این جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی شده است، از درجه بالایی از روایی تفکیکی برخوردار است و همچنین از لحاظ همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی (بهم ریختگی مفهوم (r=۰/۳۰) و هیجان (r=۰/۲۶) روایی هم‌زمان قابل قبولی را برای آن برآورد نمودند و ضرایب پایایی بازآزمایی چهار هفته‌ای خرده مقیاس‌های آن را ۰/۵۸- ۰/۹۰ و همسانی درونی آنها را ۰/۷۸- ۰/۹۰ گزارش شده است (به نقل از ناک[9] و همکاران، ۲۰۰۷). در ایران روایی و پایایی این پرسشنامه توسط ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) بررسی شده است که ضریب کودریچاردسون ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین همبستگی بین این پرسشنامه و افسردگی بک r=۰/۶۸

1 - Hett
2 - Hermann
3 - Zinchuk
4 - Anyan
5 - Nordahl
6 - Strodl, Sorensen
7- Self-injurious behaviors
8 - Sanson
9 - Nock

بود (به نقل از سبحانی و همکاران، ۱۴۰۱). برای محاسبه پایایی ابزار در پژوهش حاضر از ضریب کودریچاردسون استفاده شد که ۰/۸۰ گزارش شد.

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند (BPMQ[1]): پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری توسط بامریند (۱۹۹۱) طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ ماده است که دارای زیر مولفه‌های سبک فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه است. نمره گذاری به‌صورت پنج درجه ای کاملا موافقم، موافقم، بی‌نظر، مخالفم و کاملاً مخالفم قرار دارد که به ترتیب از صفرتا چهار می‌باشد. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، همسانی درونی بالای آن که توسط آلفای کرونباخ ارزیابی شد بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ نشان داده شده است. پایایی بازآزمایی بعد از ۲ هفته ۰/۷۵ و به مدت سه سال ۰/۷۱ بوده است که نشان می‌دهد این پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است. جهت بررسی روایی پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که این آزمون از سه بعد تشکیل‌شده و بار عاملی هر سؤال بر روی عامل مربوطه بالاتر از ۰/۴۰ است (چائو[2]، ۲۰۰۰). ازجمله سؤالات مربوط به هر شیوه فرزندپروری، سه نمره مجزا به دست می‌آید. هر شیوه‌ای که بیشترین نمره را به خود اختصاص دهد به‌مثابه شیوه فرزندپروری آن والد در نظر گرفته می‌شود. روایی این پرسشنامه در پژوهش نوقابی و اسفندیاری (۱۳۷۸) از طریق همبستگی بین متغیرها محاسبه شد که نتایج آن سبک مقتدرانه و سبک فرزندپروری (r=۰/۷۶۵)، سبک سهل‌گیرانه و سبک فرزندپروری (r=۰/۷۵۱) و سبک مستبدانه و سبک فرزندپروری (r=۰/۸۴۴) بود که روایی مطلوب را نشان می‌دهد (کریمی و صالحی، ۱۳۹۶). همچنین، میزان پایایی آزمون با استفاده از روی آلفای کرانباخ برای خرده مقیاس مقتدرانه ۰/۷۳ مستبدانه ۰/۷۷ و سهل گیرانه ۰/۶۹ به دست آمد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶). آلفای کرونباخ گزارش شده در پژوهش حاضر نیز برای خرده مقیاس مقتدرانه ۰/۸۸ مستبدانه ۰/۸۳ و سهل گیرانه ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه باورهای فراشناختی (MCQ)[3]: این پرسشنامه در سال ۲۰۰۴ توسط ولز و همکاران ساخته شد که ۳۰ ماده دارد و در طیف لیکرت ۴ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. از لحاظ پایایی، ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه و مولفه‌های آن در دامنه‌ای از ۷۲ تا ۹۳ گزارش شده است و روایی محتوایی آن نیز ۰/۹۱ به دست آمد (ولز و کارت رایت- هاتون[4]، ۲۰۰۴). در ایران، شیرین زاده و همکاران (۱۳۸۷) این پرسشنامه را ترجمه و آماده نموده، ضریب همسانی درونی آن را به کمک ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۹۱ و برای مولفه‌های آن در دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۸۷ و پایایی بازآزمایی این آزمون را در فاصله چهار هفته برای کل پرسشنامه ۰/۷۳ و برای مولفه‌های آن در دامنه ۰/۵۹ تا ۰/۸۳ گزارش کرد. همچنین همبستگی کل پرسشنامه با مقیاس اضطراب خصلتی برابر ۰/۴۳ و همبستگی مولفه‌ها را در دامنه ۰/۲۸ تا ۰/۶۸ گزارش کرد (به نقل از رایگانی و همکاران، ۱۴۰۱). آلفای کرونباخ گزارش‌شده در پژوهش حاضر نیز ۰/۸۸ بود.

یافته ها

میانگین و انحراف استاندارد سن گزارش‌شده برای نمونه پژوهش حاضر ۰/۸۳۱±۱۵/۳ گزارش شد. حداقل سن شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۱۴ و حداکثر سن ۱۶ گزارش شد. نتیجه یافته‌های توصیفی پژوهش به در جدول ۱ ارائه‌شده است.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرها و ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرها

	۱	۲	۳	۴	۵
۱. سبک فرزند پروری مقتدرانه	۱				
۲. سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۲۰**	۱			
۳. سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۲۴**	۰/۰۹	۱		
۴. یاورهای فراشناختی	۰/۲۴**	۰/۱۹**	۰/۱۰	۱	
۵. رفتارهای خود آسیب‌رسان	-۰/۲۸**	۰/۱۹**	۰/۱۹**	-۰/۳۵**	۱
میانگین	۵۶/۳	۳۶/۵	۲۶/۲	۲۳/۸	۲۵/۵
انحراف استاندارد	۱۲/۵	۱۰/۸	۵/۸۸	۶	۷/۳۹
چولگی	-۰/۴۳۴	-۰/۱۵۶	۱/۱۳	۰/۸۳۲	۰/۶۵۴

1 - Bamrind parenting methods questionnaire
2 - Chao
3- metacognitions questionnaire
4 - Wells, Cartwright -Hatton

کشیدگی	۰/۲۱۹	-۰/۶۸۲	۰/۸۶۵	۱/۲۳	۰/۸۰۴

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و باورهای فراشناختی و رفتارهای خود آسیب‌رسان رابطه منفی و معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد (p<۰/۰۱)؛ همچنین بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و مستبدانه و رفتارهای خود آسیب رسان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (p<۰/۰۱). نتایج آزمون کالموگراف – اسمیرنف برای سبک فرزند پروری مقتدرانه (۰/۰۶۹)، سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (۰/۰۵۶)، سبک فرزند پروری مستبدانه (۰/۰۴۹)، باورهای فراشناختی (۰/۰۷۶) و باورهای فراشناختی (۰/۰۵۱) بزرگتر از ۰/۰۵گزارش شد (p>۰/۰۵). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که توزیع نمرات متغیرهای پژوهش نرمال است. لذا استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه جهت بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش بلامانع است. همچنین آماره دوربین واتسون نیز ۲/۰۳ گزارش شد که چون مقدار آن بین ۱/۵ تا ۲/۵ است؛ تایید می‌شود.

جدول ۲. خلاصه مدل رگرسیون چندگانه سبک‌های فرزند پروری و باورهای فراشناختی در پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب رسان

	متغیر پیش‌بین	R	R^2 Adjusted
رفتارهای خود آسیب رسان	سبک فرزند پروری مقتدرانه سبک فرزند پروری سهل گیرانه سبک فرزند پروری مستبدانه باورهای فراشناختی	۰/۴۱۳	۰/۱۷۱

جدول (۲) نشان می‌دهد در تحلیل رگرسیون، سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناختی با رفتارهای خود آسیب‌رسان دارای همبستگی چندگانه هستند که مقدار ضریب همبستگی برابر با ۰/۴۱۳ بود. با توجه به مقدار مجذور ضریب همبستگی حدود ۱۷/۱ درصد از واریانس رفتارهای خود آسیب‌رسان توسط سبک‌های فرزند پروری و باورهای فراشناختی پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه سبک‌های فرزند پروری و باورهای فراشناختی در پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب رسان

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	B	Beta	t	P
		۵۰/۷		۹/۳۱	۰/۰۰۱
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	-۰/۴۱۱	-۰/۱۰۱	-۲/۱۸	۰/۰۳
	سبک فرزند پروری سهل گیرانه	۰/۲۴۱	۰/۱۰۹	۲/۱۶	۰/۰۳۱
رفتارهای خود آسیب‌رسان	سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۳۶۴	۰/۱۲۱	۲/۳۹	۰/۰۱۷
	باورهای فراشناختی	-۰/۳۶۴	=۰/۱۱۹	-۲/۲۱	۰/۰۲۷

طبق جدول (۳) نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش هم‌زمان نشان داده است که سبک فرزند پروری مقتدرانه (-۰/۱۰۱ =β، p<۰/۰۵)، سبک فرزند پروری سهل گیرانه (β=۰/۱۰۹، p<۰/۰۵)، مستبدانه (β=۰/۱۲۱، p<۰/۰۵) و باورهای فراشناختی (-۰/۱۱۹ =β، p<۰/۰۵) توان پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان را دارند. معادله رگرسیون برای پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان به شرح زیر است.

$$Y=۵۰/۷-۰/۱۰۱\ (X_۱) +۰/۱۰۹(x_۲) +۰/۱۲۱(x_۳) -۰/۱۱۹(x_۴)$$ (رفتارهای خود آسیب‌رسان)

x1=سبک فرزند پروری مقتدرانه

x2=سبک فرزند پروری سهل گیرانه

x3= سبک فرزندپروری مستبدانه

x4=باورهای فراشناختی

طبق معادله رگرسیون، به ازای هر واحد که از فرزند پروری مقتدرانه و باورهای فراشناختی کاسته می‌شود به ترتیب به میزان ۰/۱۰۱ و ۰/۱۱۹ و به ازای هر واحد که بر سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه و مستبدانه افزوده می‌شود به ترتیب به میزان ۰/۱۰۹ و ۰/۱۲۱ واحد بر نمره رفتارهای خود آسیب‌رسان نوجوانان پسر افزوده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رفتارهای خود آسیب‌رسان بر اساس سبک‌های فرزند پروری والدین و باورهای فراشناختی در نوجوانان پسر انجام شد. نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد رفتارهای خود آسیب براساس سبک‌های فرزند پروری والدین قابل پیش‌بینی است. نتیجه حاصل با نتیجه پژوهش پاگی و همکاران (۲۰۲۳)، لین و همکاران (۲۰۲۲)، ماسیتا و همکاران (۲۰۲۲)، کرواهیران و همکاران (۲۰۲۲) و آگباریا (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: رابطه بین کودکان و والدین و سایر اعضای خانواده را می‌توان به‌عنوان نظام یا شبکه‌ای دانست که در کنش متقابل با یکدیگر هستند. این نظام به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، از طریق سبک‌ها و روش‌های مختلف فرزند پروری در کودکان تأثیر می‌گذارد (لین و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌های وسیعی که درزمینه چگونگی برخورد والدین با فرزندان و روش‌های تربیتی انجام‌شده است نشان می‌دهد که روش‌های تربیتی والدین اثرات طولانی، بر رفتار، عملکرد، انتظارات و درنهایت بر شخصیت افراد در آینده دارند (آگباریا، ۲۰۲۲). رابطه والد – فرزندی یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است و معرف دنیای ارتباطات برای کودک است (کرواهیران و همکاران، ۲۰۲۲). شواهد پژوهشی حاکی از آن است که سبک‌های فرزندپروری یا شیوه‌های تربیتی والدین بر بروز نابهنجاری‌های رفتاری فرزندان آثار درخور توجهی دارد و می‌تواند از بروز بسیاری از آسیب‌های روانی و اجتماعی نظیر خشونت خانگی پیشگیری کند (پاگی و همکاران، ۲۰۲۳).

در تبیین دیگر می‌توان گفت: در سبک‌های فرزند پروری مقتدرانه انضباط توأم با رفتار خودمختارانه است. والدین هرگاه کودک را از چیزی منع کنند و یا از روی انتظاری خاص داشته باشند، برای او مسئله را خوب تبیین کرده، دلیل آن‌ها ارائه می‌دهند. در چنین خانواده‌هایی تقسیم‌کار وجود دارد، به‌طوری‌که هر یک از اعضا مسئولیتی را به عهده می‌گیرد و در تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم درآمدها، روش زندگی و دیگر مسائل بر اساس مشورت و پیروی از مبنای عقلی و مصلحت‌اندیشی رفتار می‌کند (لین و همکاران، ۲۰۲۲). اساس کار این خانواده چنین است که همه افراد خانواده قابل‌احترام‌اند؛ اعضای خانواده صلاحیت اظهارنظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود رادارند؛ همه افراد خانواده در تصمیماتی که درباره آن‌ها اتخاذ می‌شود و یا کاری که به آن‌ها مربوط است حق دخالت دارند و در تصمیم‌گیری‌ها عاقلانه انجام‌وظیفه می‌کنند؛ نوعی روش عقلانی در کلیه شئون زندگی این خانواده دیده می‌شود؛ اساس این نوع زندگی بر همکاری و همیاری است. این والدین نسبت به کودکان خود گرم‌تر و بامحبت‌ترند و درعین‌حال آن‌ها را کنترل می‌کنند. آنان از کودکان خود توقع رفتار معقولانه دارند، هرچند که به استقلال و تصمیمات فرزند خود احترام می‌گذارند. به‌طورکلی در مواضع خود محکم می‌ایستند و دلایل قاطعانه‌ای در مورد راهنمایی‌های خود ارائه می‌دهند. کودکان این والدین افرادی مستقل – اجتماعی، با حرارت، هدف‌دار و با سلامت روانی بالا هستند (گونزالس و همکاران، ۲۰۲۲).

همچنین می‌توان افزود: در سبک فرزندپروری مستبدانه والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند، ضمن آنکه فرزندان خود را بسیار کنترل می‌کنند.شیوه فرزندپروری مستبدانه ویژگی‌هایی مانند سنگدلی و سخت‌گیری را در بر می‌گیرد. این والدین بی‌عاطفه‌اند و به نیازهای رشد و نمو فرزندان خود توجهی ندارند (آگباریا، ۲۰۲۲). همچنین می‌توان گفت: از ویژگی‌های خانواده سهل‌گیر بی‌توجهی به رشد اجتماعی و روانی فرزندان است. در این خانواده‌ها به‌طورکلی به قوانین خانوادگی و اجتماعی چندان تقیدی ندارند و هر کس هر کاری بخواهد می‌تواند انجام دهد و دخالت در کارهای یکدیگر معنا ندارد؛ چراکه در خانواده‌های سهل گیر به تعداد افراد خانواده نظر وجود دارد (ماسیتا و همکاران، ۲۰۲۲). این والدین به نوجوانان خود اجازه می‌دهند که هر کاری می‌خواهند انجام دهند؛ بسیاری از آن‌ها از مسئولیت خویش برداشت نادرستی دارند. آن‌ها فرزند خود را رها می‌کنند بدون این‌که به آنان سرمشقی از یک بزرگ‌سال مسئول ارائه دهند. فرزندان چنین والدینی در سال‌های بعدی زندگی نمی‌توانند از برنامه خاصی پیروی کنند و کنترل تکانه‌ای ضعیفی را به نمایش می‌گذارند (پاگی و همکاران، ۲۰۲۳). به سبب هرج‌ومرج، نوعی تزلزل در این‌گونه خانواده‌ها به چشم می‌خورد و همین تزلزل باعث بی‌بندوباری کودکان می‌شود؛ درنتیجه این فرزندان قادر به زندگی اجتماعی نیستند و در جامعه بزرگ‌تر همیشه با مشکلات اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شوند (آگباریا، ۲۰۲۲).

علاوه براین، نتیجه حاصل از پژوهش حاضر نشان داد که رفتارهای خود آسیب رسان براساس باورهای فراشناختی در نوجوانان پسر قابل پیش‌بینی است. نتیجه حاصل با نتایج پژوهشگرانی چون کن و همکاران (۲۰۲۲)، هوفارت و همکاران (۲۰۲۲)، هت و همکاران (۲۰۲۲) و آنیان و همکاران (۲۰۲۲) همسو بود. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت: باورهای فراشناختی مختل می‌تواند باعث استفاده از راهبردهای مقابله‌ای غیرسودمند در مواقع فشار روانی شود که این راهبردها درنتیجهٔ تعاملات شناختی (باورهای ناسازگارانه)و رفتاری (رفتارهای غیرمؤثر) ویژه در آن‌ها شکل می‌گیرد و زمینهٔ گرایش به سمت رفتارهای پرخطر ازجمله مصرف مواد مخدر یا الکل را فراهم می‌کند (هوفارت و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین در تبیینی دیگر می‌توان گفت زمانی که افراد بر این باور باشند که افکار سرزده به ذهن آن‌ها خطرناک و کنترل‌ناپذیر هستند و ممکن است پیامدهای ناخوشایندی را ایجاد کنند، در تلاش دائم برای جلوگیری از حضور آن‌ها در ذهن خود خواهند بود. این در حالی است که همین توجه افراطی برای کاهش تجربهٔ برخی افکار می‌تواند زمینه‌ساز توجه بیشتر به آن‌ها شده و درنتیجه، تجربهٔ آن فکر را در ذهن فرد بیشتر کند. درنهایت ممکن است فرد این باور را در خود شکل دهد که توان مدیریت افکار خود را ندارد و درنتیجه، هیجان‌های ناخوشایند را تجربه کند. بدین ترتیب، فرد به‌منظور کاهش هیجان‌های ناخوشایند خود، ممکن است به سمت رفتارهای خود آسیب‌رسان سوق پیدا کند (کن و همکاران، ۲۰۲۲). همچنین می‌توان افزود: بازداری از افکار، فرآیند یادگیری واکنش‌های اضطرابی را تداوم می‌بخشد و این امر به‌نوبهٔ خود بازداری از عمل و درنتیجه پاسخ‌های ناسازگارانه را در پی دارد. به‌طورکلی می‌توان گفت افرادی که باورهای فراشناختی ناسازگاری دارند، ممکن است در بازبینی و اصلاح اعمال، رفتار و همچنین فرآیندهای شناختی خود از قبیل شناخت‌ها و تفکرات خود با مشکل مواجه شوند و درنتیجه نمی‌توانند پیامدهای طرز تفکر خود و به‌تبع آن، رفتارهای خود را به‌طور مناسب درک کنند و درنتیجه، برای تجربهٔ هیجان‌های خوشایند زودگذر، به سمت رفتارهایی مانند مصرف مواد و یا نوشیدنی‌های غیرمجاز کشیده می‌شوند و از پیامدهای طولانی‌مدت این‌گونه اعمال غافل می‌گردند (هت و همکاران، ۲۰۲۲).

به‌طورکلی نتایج حاکی از این بود که رفتارهای خود آسیب‌رسان براساس سبک‌های فرزندپروری و باورهای فراشناختی در نوجوانان پسر قابل پیش بینی بود. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به روش نمونه‌گیری در دسترس اشاره کرد. بنابراین پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش قدرت تعمیم پذیری در پژوهش‌های آتی از روش‌های نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. پژوهش حاضر محدود به نوجوانان پسر بود، که تعمیم آن را به سایر گروه‌ها دچار مشکل می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر بر روی گروه‌های دیگر نیز انجام داد.

منابع

رایگانی، ف.س؛ عیسی زادگان، ع؛ زینالی، ش. (۱۴۰۱). روابط ساختاری کمال‌گرایی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای انعطاف پذیری روان‌شناختی و باورهای فراشناختی. *رویش روان شناسی*، ۱۱ (۷)، ۶۷-۷۸. http://frooyesh.ir/article-1-3643-fa.html

قادری بگه جان، ک؛ اسکندری، ح؛ برجعلی، ا؛ سهرابی، ف؛ سلیمانی، م؛ زیگلر، م. (۱۴۰۱). مقایسه‌ی رفتارهای خودکشی گرایانه، رفتارهای خودآسیب رسان و ظرفیت شرم و احساس گناه در میان افراد با «صفات چهارگانه تاریک شخصیت» و افراد با «سه‌گانه آسیب‌پذیر شخصیت»؛ یک مطالعه مقطعی. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۹ (۱)، ۱۶-۳۲. http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1465-fa.html

کریمی، ز؛ صالحی، ش. (۱۳۹۶). بررسی سبک‌های فرزندپروری زنان شاغل در بیمارستان و برخی متغیرهای مرتبط در بیمارستان‌های منتخب وابسته به دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۳. *نشریه روان پرستاری*، ۵(۱)، ۶-۱. http://ijpn.ir/article-1-863-fa.pdf

سبحانی، س.گ؛ فلاح‌زاده، ه؛ پورشهریار، ح. (۱۴۰۱). پیش‌بینی گرایش به رفتارهای خود آسیب رسان در نوجوانان دختر ۱۳ تا ۱۵ سال براساس سرمایه روان شناختی و عملکرد خانواده. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۷۲، ۷۷۵- ۷۵۵. https://jfr.sbu.ac.ir/article

Agbaria, Q. (2022). Parental styles and parental emotional intelligence as predictors of challenging behavior problems among children in Israel. *Topics in Early Childhood Special Education*, *41*(4), 321-332. https://doi.org/10.1177/0271121420918650

Anyan, F., Hjemdal, O., & Nordahl, H. (2022). Testing the longitudinal effect of metacognitive beliefs on the trajectory of work ability. *Current Psychology*, 1-9. https://doi.org/10.1007/s12144-022-03912-3

Chao, R. K. (2000). The parenting of immigrant Chinese and European American mothers: Relations between parenting styles, socialization goals, and parental practices. *Journal of Applied Developmental Psychology*, *21*(2), 233-248. https://doi.org/10.1016/S0193-3973(99)00037-4

Franz, P. J., Fortgang, R. G., Millner, A. J., Jaroszewski, A. C., Wittler, E. M., Alpert, J. E., ... & Nock, M. K. (2023). Examining tradeoffs between cognitive effort and relief among adults with self-injurious behavior. *Journal of Affective Disorders*, *321*, 320-328. https://doi.org/10.1016/j.jad.2022.10.029

Gonzalez, S., Rodriguez, C. M., & Paine, E. (2022). Examining Gender-Specific Modeling in the Intergenerational Transmission of Parenting Style and Physical Child Abuse Risk. *Journal of Child and Family Studies*, *31*(9), 2344-2358. https://doi.org/10.1007/s10826-022-02232-1

Hermann, E., Rai, A., Tewari, A., Kopyto, S., Castellanos, K., & Barahmand, U. (2023). Linking Social Anxiety and Depression: The Role of Metacognitive Beliefs and Anhedonia. *Current Psychiatry Research and Reviews Formerly: Current Psychiatry Reviews*, *19*(3), 302-313. https://doi.org/10.2174/2666082219666221028102903

Hett, D., Takarangi, M. K., & Flowe, H. D. (2022). The effects of computerised metacognitive cognitive bias modification training on the development of adaptive metacognitive beliefs and post-traumatic stress disorder symptoms. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, *75*, 101716. https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2021.101716

Hoffart, A., Johnson, S. U., & Ebrahimi, O. V. (2022). Metacognitive beliefs, maladaptive coping strategies, and depressive symptoms: A two-wave network study of the COVID-19 lockdown and reopening. *Journal of Psychiatric Research*, *152*, 70-78. https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.06.008

Hull, M., Parnes, M., & Jankovic, J. (2023). Botulinum neurotoxin injections in children with self-injurious behaviors. *Toxins*, *15*(4), 236. https://doi.org/10.3390/toxins15040236

Keen, E., Kangas, M., & Gilchrist, P. T. (2022). A systematic review evaluating metacognitive beliefs in health anxiety and somatic distress. *British Journal of Health Psychology*, *27*(4), 1398-1422. https://doi.org/10.1111/bjhp.12609

Kruahiran, P., Boonyasiriwat, W., & Maneesri, K. (2022). Thai Police Officers' Attitudes Toward Intimate Partner Violence and Victim Blaming: The Influence of Sexism and Female Gender Roles. *Journal of interpersonal violence*, *37*(9-10), NP7426-NP7446. https://doi.org/10.1177/0886260520969405

Lin, X., Liao, Y., & Li, H. (2022). Parenting styles and social competence in Chinese choolers: A moderated mediation model of singleton and self-regulation. *Early Education and Development*, 33(3), 437-451. https://doi.org/10.1080/10409289.2021.1940643

Masitah, W., & Pasaribu, I. D. (2022, March). The effect of parenting style on childhood social development in Tanjung Madan village, Uttara. In the collection of the International Islamic Studies Seminar (Vol. 3, No. 1, pp. 1223-1229) . http://jurnal.umsu.ac.id/index.php/insis/article/view/9783

McClelland, H., Evans, J. J., & O'Connor, R. C. (2023). The association of family, social and romantic loneliness in relation to suicidal ideation and self-injurious behaviours. *Journal of psychiatric research*, *158*, 330-340. https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2022.12.022

Nadeem, F., Malik, N. I., Atta, M., Ullah, I., Martinotti, G., Pettorruso, M., ... & De Berardis, D. (2022). Relationship between health-anxiety and cyberchondria: Role of metacognitive beliefs. *Journal of Clinical Medicine*, *11*(9), 2590. https://doi.org/10.3390/jcm11092590

Nock, M. K., & Banaji, M. R. (2007). Assessment of self-injurious thoughts using a behavioral test. *American Journal of Psychiatry*, *164*(5), 820-823. https://doi/full/10.1176/ajp.2007.164.5.820

Nordahl, H., Hjemdal, O., & Wells, A. (2021). Metacognitive Beliefs Uniquely Contribute to Interpersonal Problems: A Test Controlling for Adult Attachment, Big-5 Personality Traits, Anxiety, and Depression. *Frontiers in Psychology*, *12*, 694565. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.694565

Page, A. E., Migliano, A. B., Dyble, M., Major-Smith, D., Viguier, S., & Hassan, A. (2023). Sedentarization and maternal childcare networks: role of risk, gender and demography. *Philosophical Transactions of the Royal Society B*, *378*(1868), 20210435. https://doi.org/10.1098/rstb.2021.0435

Preston, E. G., & West, A. E. (2023). What do my (online) friends think? A topic modeling approach to identifying patterns of response to self-injurious behaviors on Reddit. *Archives of suicide research*, 1-17. https://doi.org/10.1080/13811118.2023.2193594

Stanyon, D., DeVylder, J., Yamasaki, S., Yamaguchi, S., Ando, S., Usami, S., ... & Nishida, A. (2023). Auditory hallucinations and self-injurious behavior in general population adolescents: modeling within-person effects in the Tokyo teen cohort. *Schizophrenia bulletin*, *49*(2), 329-338. https://doi.org/10.1093/schbul/sbac155

Strodl, E., & Sorensen, P. (2023). The role of metacognitive beliefs versus meta-emotion beliefs in disordered eating. *Australian Psychologist*, *58*(3), 179-189. https://doi.org/10.1080/00050067.2023.2181685

Wells, A., & Cartwright -Hatton, S. (2004). A short form of the metacognitions questionnaire: properties of the MCQ - 30. *Behaviour research and therapy* , 42(4), 385 –396. https://doi.org/10.1016/S0005 -7967(03)0014- 5

Zinchuk, M., Kustov, G., Pashnin, E., Rider, F., Sviatskaya, E., Popova, S., ... & Guekht, A. (2023). Self-injurious thoughts and behaviors in Russian patients with epilepsy: A prospective observational study. *Seizure*, *107*, 28-34. https://doi.org/10.1016/j.seizure.2023.03.010